

به نام خدا

درس ۱۷

مثل دانشمندان

فارسی دوم دبستان

آموزگار : منیره صدیقی



مثل دانشمندان



صفحه ی ۱۰۷ کتاب درسی فارسی

صفحه‌ی ۱۳۰ کتاب فارسی علوی

کلمات هم‌معنی

آسیب: صدمه
 مدّت: زمان
 مراقبت: نگهداری
 صبر: بردباری
 می‌ریاید: می‌دزد
 رهگذر: عابر

کلمات مخالف

قشنگ = زشت
 شاید = حتماً
 نشسته = ایستاده
 صبر = عجله
 آسیب = منفعت

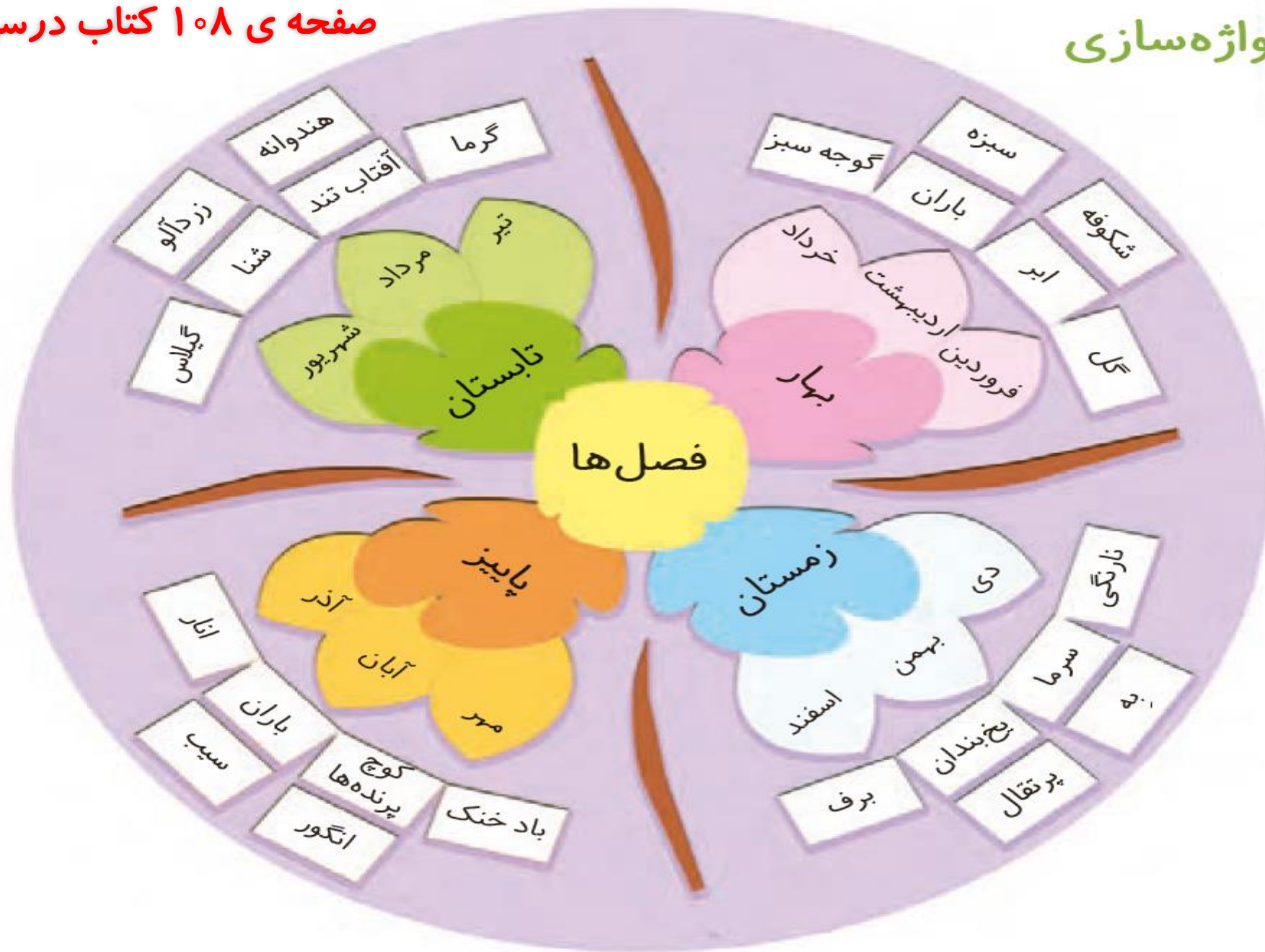
خرم: سرسبزی
 فوراً: به زودی
 بگریزد: فرار کرد
 اکنون: حالا
 نیایش: پرستش
 کثیف: آلوده

گسترش واژگان با معرفی واژه های مرتبط به یک کلمه

- ❖ با شنیدن اسم بعضی از چیزها ویژگی هایی از آن به ذهنمان می آید که با هم ارتباط معنایی دارند. به این صورت، کلمه جدید ساخته می شود.
- ❖ در عبارات زیر واژه ها هر دسته به هم ربط دارند و کلمه ی مشخص شده را بخوبی به ما معرفی می کنند.

مثال:

مدرسه	←	دانش آموز - کلاس - درس - معلم
خانه	←	آشپزخانه - حمام - پذیرایی - اتاق خواب
مسجد	←	صلوات - امام جماعت - قرآن - نماز جماعت



بیاموز و بگو

درس هفدهم فارسی

مثل دانشمندان

آواهای مختلف

❖ صدا های در طبیعت وجود دارند و ما می شنویم مانند صدا یا آواز پرنده، بارش باران و ... که این صدا ها را در بعضی از جملات به کار می بریم، به این کلمات در زبان فارسی «نام آوا» گفته می شود. که این آواها بعضی وقت ها با تکرارشان، جمله را کامل و زیباتر می کنند.

مثال:

خروس	قوقولی قوقو	سگ	هاپ هاپ	کلاغ	قارقار
برگ	خش خش	حرف زدن آر	پیچ پیچ	جوجه	جیک جیک
قورباغه	قور قور	مگس	وز وز	گرگ	زوزه



بیاموز و بگو



صدای جیک جیک گنجشکان به گوش می رسید.
صدای چهچه بلبل ها به گوش می رسید.
صدای شرشر آب را از دور می شنیدم.
بچه ها با هم پیچ پیچ می کردند.

حالا تو بگو



..... قارقار می کند.

..... بع بع می کند.

..... هاپ هاپ می کند.

..... قوقولی قوقو می کند.



حالا تو بگو

.....کلاغ..... قارقار می کند.

.....گوسفند..... بع بع می کند.

.....سگ..... هاپ هاپ می کند.

.....خروس..... قوقولی قوقو می کند.



درخت کاری

به پایش جوی آبی می کشانم
برای یادگاری می فشانم

*

بسازد بر سر خود شاخساری
شود زیر درختم سبزه زاری

*

درختم چتر خود را می کشاید
دل هر رهگذر را می رباید

*

میان روزگرمی، می رود خواب
درختی کاشتی، روح تو شاداب

عبّاس یمینی شریف

به دست خود درختی می نشانم
کمی تخم چمن بر روی خاکش

درختم کم کم آرد برگ و باری
چمن روید در آنجا سبز و خرم

به تابستان که گرما رو نماید
خنک می سازد آنجا را ز سایه

به پایش خسته ای بی حال و بی تاب
شود بیدار و گوید: ای که اینجا

